

مسئولیت حکومت دینی در حفاظت از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای

مجازی از منظر فقه و حقوق^۱

محمد علی حیدری^۲

حسین عندلیب^۳

چکیده:

همان طور که از نام «حکومت دینی» پیداست یکی از وظایف ذاتی و اولیه آن ترویج مبانی دینی و حفظ و حراست از آنهاست. برای این مهم شیوه های مختلف و متنوعی وجود دارد اما مهم تر از شیوه ها این است که ظاهراً هنوز برخی در اصل موضوع تردید دارند. برخی هنوز در اینکه آیا حفاظت از مرزهای عقیدتی از وظایف ذاتی حکومت است تردید دارند. بنابر این جای طرح این پرسش است که «آیا از منظر فقه و حقوق اسلامی حکومت دینی وظیفه ای در حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی دارد یا خیر؟» فرضیه این مقاله آن است که با توجه به فلسفه تشکیل حکومت دینی و دیدگاه های فقهای اسلام همچنین اصول موجود در قوانین موضوعه ایران، یکی از وظایف حکومت دینی حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی است که یکی از مصادیق آن حراست و حفاظت از فضای مجازی برای جلوگیری از آسیب رسانی به اعتقادات شهروندان و دیگری ترویج و تبلیغ اعتقادات صحیح دینی در فضای مجازی است. برای اثبات این فرضیه از روش توصیفی-تحلیلی بهره می گیریم.

کلیدواژه ها: حکومت دینی، مرزهای عقیدتی، فضای مجازی، فقه و حقوق

^۱ - تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۰

^۲ - استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده عهده دار مکاتبات)

^۳ - گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
hoseinandalib@yahoo.com

۱. مقدمه

مسئولیت حکومت دینی در فضای مجازی را می توان به دو بخش اقدامات مرتبط با پیشرفت اقتصادی و پیشرفت علمی، معنوی و اخلاقی تقسیم نمود. در بخش نخست که تردیدی وجود ندارد و ادله فقهی همچون «وجوب جلب مصلحت و منفعت» و «وجوب دفع ضرر» و قوانین برنامه توسعه و شورای عالی مجازی (ابلاغی مقام معظم رهبری) و... حکومت را مسئول می داند تا اقدامات توسعه ای در زمینه گسترش دولت الکترونیک، تجارت الکترونیک و ... انجام دهد و همچنین از باب دفع ضرر، اقدامات تدافعی در مبارزه با هکرها و حمله های سایبری انجام دهد. لذا در این خصوص دیدگاه های مشترکی بین اندیشمندان وجود دارد و همگی بر لزوم توسعه فضای مجازی در این ساحت ها دارند.

آنچه که محل بحث و مناقشه از سوی برخی است، بخش دوم یعنی لزوم مسئولیت دولت در حوزه های معنوی و اخلاقی و علوم اسلامی است. همان طور که از نام «حکومت دینی» پیداست یکی از وظایف ذاتی و اولیه آن ترویج مبانی دینی و حفظ و حراست از آنهاست. برای این مهم شیوه های مختلف و متنوعی وجود دارد اما مهم تر از شیوه ها این است که ظاهرا هنوز برخی در اصل موضوع تردید دارند. برخی هنوز در اینکه آیا حفاظت از مرزهای عقیدتی از وظایف ذاتی حکومت است تردید دارند. بنابر این جای طرح این پرسش است که «آیا از منظر فقه و حقوق اسلامی حکومت دینی وظیفه ای در حفظ و حراست از مرزهای عقیدتی شهروندان در فضای مجازی دارد یا خیر؟» این پژوهش برای پاسخ به این پرسش سامان یافته است.

۲. مفهوم شناسی

۱.۲. مسئولیت

مسئولیت اقسام مختلفی دارد. منظور ما از «مسئولیت» در این پژوهش، مسئولیت فقهی و حقوقی است. منظور از «مسئولیت فقهی» آن است که از نظر فقه فرد

حقیقی یا حقوقی، ملزم به انجام فعل یا ملزم به ترک فعلی است و در قبال کوتاهی آن یا ضامن است و یا علاوه بر ضمان مرتکب معصیت نیز شده است. در مورد «مسئولیت حقوقی» یا «قانونی» نظریه‌های مختلفی در مورد مسئولیت قانونی وجود دارند اما وجه مشترک همه آن‌ها در این است که ابتدا باید شرایطی در مورد یک فرد (اعم از فرد حقیقی یا حقوقی) اثبات شود تا بتوان او را به صورت قانونی مسئول دانست. مثلاً نظریه «اهمال» چنین می‌گوید که برای این که کسی بابت اهمال کاری مسئولیت قانونی پیدا کند باید ثابت شود که وی وظیفه‌ای بر عهده داشته، آن را انجام نداده، انجام ندادنش باعث خسارت به کسی دیگر شده، و این خسارت قابل جبران است.

۲.۲. حکومت دینی

حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است؛ یعنی دولت و نهادهای مختلف آن، خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی متعهد میدانند. (واعظی، ۱۳۸۴، ص ۳۱)

وظایف حکومت دینی

نظریات سعادت‌نگرای کلاسیک (افلاطون، ارسطو، فارابی)

دیدگاه افلاطون در این زمینه با توجه به نکات ذیل تبیین می‌گردد: ۱. از دیدگاه افلاطون، انسان موجود عقلانی و فرامادی است. ۲. خیر و سعادت انسان متناسب با هستی او است، پس خیر و سعادت انسان امری فرامادی است. ۳. شناخت خیر و سعادت حقیقی برای برخی انسانها مقدور است. ۴. تنها فیلسوفان توانایی شناخت خیر حقیقی را دارند. ۵. وظیفه حکومت رساندن افراد به خیر و سعادت حقیقی است. بنابراین، وظیفه حکومت از دیدگاه افلاطون به تأمین نیازمندیهای مادی جامعه منحصر نمیشود، بلکه تربیت درست و رسانیدن افراد به خیر و سعادت از وظایف اصلی حکومت است. این کار تنها از عهده حکیمان بر می‌آید. از اینرو، تنها حکیمان شایسته به

عهده گرفتن حکومت هستند (کاپلستون، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۳) فارابی در این باره دولت مینویسد: حاکم حقیقی کسی است که هدف و مقصود او از فن حکومت، که عهده دار تدبیر شهرها است، این باشد که خود و اهل مدینه را به سعادت حقیقی برساند. غایت و هدف حکومت نیز همین است. لازمه این هدف، آن است که حاکم مدینه فاضله به بالاترین مرتبه سعادت رسیده باشد؛ زیرا او سبب سعادت اهل مدینه است.

۳.۲. فضای مجازی

فضای مجازی «فضایی تئوری است که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می‌دهد.» http://www.oxforddictionaries.com/us/definition/american_english/cyberspace این واژه در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی - تخیلی شد و شاغلان در زمینه کامپیوتر و علاقه‌مندان به سرعت آن را به کار بردند و در دهه ۱۹۹۰ رایج شد. در این دوره، استفاده از اینترنت، شبکه و مخابرات دیجیتال سریعاً در حال رشد بود و لفظ «فضای مجازی» می‌توانست بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را نمایندگی کند که بصورت مستقیم و غیر مستقیم نمایندگی می‌کند. لفظ مادر فضای سایبر، سایبرنتیک است که از $\kappa\upsilon\beta\epsilon\rho\nu\eta\tau\eta\varsigma$ یونانی باستان به معنای فرماندار یا راننده مشتق شده، واژه‌ای که نوربرت وینر برای کار پیشگامانه‌اش در مخابرات الکترونیک و علم کنترل به کار برد.

با این که نباید فضای مجازی را با اینترنت اشتباه گرفت، از این لفظ غالباً در اشاره به اشیا و شخصیت‌هایی که تا حد زیادی در خود شبکه مخابراتی وجود دارد به کار می‌رود تا جایی که برای مثال ممکن است به طور استعاری گفته شود یک وبگاه، «در فضای مجازی وجود دارد» (The Geographical Journal, vol. ۱۷۹, no. ۲, pp. ۱۷۹-۱۸۸). بر اساس این تعبیر، اتفاقاتی که در اینترنت رخ می‌دهد در «فضای مجازی» به وقوع می‌پیوندند نه جاهایی که شرکت کنندگان یا سرورها به طور فیزیکی واقع شده‌اند. میشل فوکو فیلسوف از لفظ هتروتوپیا در توصیف چنان فضاهایی که به طور همزمان فیزیکی و ذهنی هستند استفاده کرد.

فضای مجازی را می توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه های رایانه ای به کار برد، در حقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه های رایانه ای هم پیوند تامین می شود که با اندکی مسامحه می توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست. اندرسون واقعیت مجازی را «واقعیت خلق شده توسط رایانه» می داند، واقعیتی که از آن رو مجازی یا مصنوعی است که در دنیای واقعی محیط مادی، مکانی را اشغال نکرده و در اذهان کاربران در نتیجه تعامل با واسط الکترونیکی وجود دارد. واقعیت مجازی واقعیتی است که وجود فیزیکی نداشته توسط نرم افزار تولید می شود

۳. ادله فقهی مسئولیت حکومت در فضای مجازی

۱.۱. ادله امر به معروف و نهی از منکر

با مطالعه و بررسی آیات قرآن کریم در می یابیم خداوند متعال یک سلسله وظایف را برای حکومت های دینی تعیین کرده است. به عنوان نمونه درباره وظایف مومنینی که اقدام به تشکیل «حکومت» می کنند، می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱) همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای زشت باز می دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.» بر اساس این آیه شریفه سه وظیفه اصلی برای حکومت های دینی تعیین شده است:

- ۱- برپایی و احیای امر نماز
- ۲- جمع آوری و دریافت زکات
- ۳- امر به معروف و نهی از منکر

بنابر این «حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه: أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (قرآنتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۵۲)

در آیه ای دیگر نیز دستور تشکیل جمعیت «آمران به معروف و ناهیان از منکر» می دهد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند.»

بنابر این و از آنجا که انسان، دارای بعد روحی و معنوی است و حیات اخروی پس از انقضای مرحله حیات دنیوی به دست می آید، تنظیم حیات و تدبیر زندگی او به صورتی باشد که بتواند رفتار او را در حوزه فردی و جمعی به گونه ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی او را تضمین و تأمین کند. از این رو، حکومت وظیفه هدایت و پاسداری از ارزش ها و هنجارهای مقرون به حقیقت را دارد. وظیفه حکومت به تنظیم امور اجتماعی و تأمین امنیت در راستای بهبود حیات مادی و رفاه اقتصادی محدود نمی شود. ترویج ارزش ها و اجرای احکام و قوانین دینی و صیانت از حدود الهی به لحاظ نقش آنها در سعادت ابدی انسان، از وظایف عمده و نهایی حکومت است. (نیازی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)

۲. ادله وجوب تعلیم و تربیت

امیر المؤمنین (ع) تعلیم و تربیت دینی را از حقوق مردم بر حاکم بر شمرده است: «مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیر خواهی را از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت المال دارید، کاملاً پردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید...» (نهج البلاغه خطبه ۳۴).

و نیز فرموده است: «بر امام است که بر اهل ولایت خویش حدود اسلام و ایمان را تعلیم دهد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۳۱۸) همچنین امیر بیان حضرت علی (ع) می فرماید: «کمال سعادت، تلاش کردن در صلاح امور همگان و تربیت جمهور است.» (همان، ج ۶، ص ۳۰) همچنین از سخنان آن حضرت در وظایف حاکم است: «همانا بر امام نیست جز آنچه که از امر پروردگار به عهده او گذاشته شده است: کوتاهی نکردن در موعظه و کوشیدن در نصیحت.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵) مولا امیر

المؤمنین(ع) در باره انجام وظایف خود نسبت به هدایت و ارشاد مردم فرموده است: «رایت ایمان را میان شما پا برجا کردم و شما را با مرزهای حلال و حرام آگاه ساختم. به سبب عدالت خود لباس عافیت بر تنتان کردم و با گفتار و کردار خویش معروف را میان شما گستردم و با خوی خود شما را نشان دادم که اخلاق برگزیده چیست». (همان، خطبه ۸۷) امام علی(ع) در سخنی دیگر می‌فرماید: «بر امام واجب نیست جز آن چه را که خدا [به آن] امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگهداشتن سنت پیامبر(ص)، اجرای حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت‌المال به طبقات مردم است» (همان، خطبه ۱۰۴).

طبق این بیان، امام از جانب خداوند مأموریت دارد که علاوه بر هدایت و راهنمایی جامعه، احکام الهی را اجرا کند و در توزیع و تقسیم امکانات عدالت را اجرا نماید.

در نگرش اسلام به حکومت، هدف از تصدی حکومت، بهره‌مندی بیشتر حاکم از مکتب و ثروت دنیا نیست، بلکه خدمت به دین خدا و یاری به خلق خدا است: «خدا یا تو خود آگاهی که آن چه انجام دادیم، رقابت برای کسب قدرت و طلب مال دنیا نبود، بلکه می‌خواهیم نشانه‌های دین را باز گردانیم و امور شهرها را به سامان رسانیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان باشند و بخش‌های وامانده از حدود تو اجرا شود.» (همان، خطبه ۱۳۱)

محافظت از حلال و حرام الهی، اجرای حدود، دفاع از دین خدا، دعوت مردم به راه بندگی خدا از طریق حکمت، اندرز نیک و گفت‌وگو به بهترین وجه (جدال احسن)، از وظایف امام به عنوان حاکم جامعه است. (نیازی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸)

بنابراین از اهداف حکومت دینی تعلیم و تربیت است. «و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» (جمعه/۲) آموزش و گسترش معارف دینی و علمی که جامعه بدان نیاز مند است، وظیفه حکومت است. اسلام برای دانش مقام ارجمندی قرار داده و کسب دانش را فریضة عمومی اعلام نموده است. ارج نهادن اسلام به علم و عالم و ترغیب مردم به فراگیری دانش، موجب گردید در حدود دو قرن رشته‌های مختلف علمی در مراکز اصلی مسلمانان، که پیش از اسلام خبری از آن علوم نبود، به شکوفایی برسد. مسلمانان غالباً

به عنوان انجام وظیفه دینی، به جهاد علمی روی آوردند و ضمن استفاده از میراث گذشتگان، خود نیز مسائل جدیدی را کشف نمودند و به نقل و ترجمه صرف اکتفا نکردند، بلکه نقادانه با اندیشه‌های رایج مواجه شدند. علاوه بر این، علم ذاتاً ارزشمند است. عقبماندگی علمی، موجب ضعف مسلمانان و سیطره غیرمسلمان میشود. از این نظر لازم است، حکومت دینی تلاش نماید

تا برتری علمی مسلمان را به دست آورد. بنابراین، حکومت دینی از این جهت که دین علم آموزی را وظیفه هر مؤمنی اعلام نموده است و کمال معنوی و عزتو اقتدار جهانی مسلمانان وابسته به پیشرفت علمی است، زمین‌سازی برای بهره‌مندی هر مسلمان این حق رابه عهده دارد. به مخصوص که در عصر نوین امنیت، رفاه، حفظ سلامت و نشر معارف دینی نیز در گرو دستیابی به آخرین دستاوردهای دانش روز است. از اینرو امیرالمؤمنین (ع) آموزش و رفع جهل را از وظایف حاکم میدانند.

یکی از شاخه‌های تعلیم و تربیت با توجه به تنیدگی بسیار زندگی امروز بشر با فضای مجازی، تعلیم و تربیت در فضای مجازی است بنابراین همه ادله وجوب تعلیم و تربیت شامل تعلیم و تربیت در فضای مجازی میشود.

لذا همه ادله وجوب تعلیم و تربیت و هم ادله وجوب امر به معروف در باب فضای مجازی دو مسئولیت مهم را برای حکومت واجب می کند:

۱. تعلیم و تربیت و آموزشهای ایجابی در فضای مجازی
۲. جلوگیری از محتوای مخرب و شبهه ناک در فضای مجازی

۳. ادله ولایت فقیه

با پذیرش نظریه ولایت مطلقه فقیه باید گفت فقیه بر اساس معیار «مصلحت» و «وجوب دفع مفسده» دستور به آموزش معارف دینی می دهد و هم از محتوای مخرب و شبهه ناک در فضای مجازی ممانعت می کند و چون ولایت او ولایت مطلقه است بر اراده و آزادی مردم تقدم دارد. زیرا بر اساس اندیشه امام خمینی(ره) و بسیاری از بزرگان همان ولایت رسول مکرم اسلام از حیث تشریح (نه تکوینی) برای فقیه متصور است و لذا همان طور که

«النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» هست، فقیه نیز اولی بالمؤمنین است. البته این ولایت بر مدار مصلحت مومنین و جامعه می چرخد و بدون ضابطه و قاعده نیست و نفع

آن در نهایت به خود مومنین و جامعه می رسد. فقیه همچون پدری مهربان جلوی خطای فرزند خود را می گیرد.

سه پرسش:

۱. آیا اعمال محدودیت در فضای مجازی با «آزادی بشر» که از حقوق انسانی شمرده شده و اسلام آن را محترم می داند و همچنین آزادی بیان که قرآن آن را ترویج می کند: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷) سازگاری دارد؟
۲. با توجه به فیلتر شکن ها ی قوی و ابزار دیگر اصلا فیلترینگ و امثال آن فایده ای دارد یا تنها صرف هزینه بی جا و ضرر به بیت المال است؟
۳. چرا یک نفر (به تعبیر یکی از مسئولین یک لیسانسه حقوق) برای یک ملت تصمیم بگیرد و دستور فیلترینگ بدهد؟

پاسخ پرسش اول:

اولا آزادی بشر تا آنجاست که به خود یا دیگران ضربه نزند. اگر شخصی بخواهد خود را از بلندی پرتاب کند آیا ما مسئولیت نداریم؟ همه فقها می گویند نجات نفس محترمه بلکه حیوان هم واجب است. شخصی که میخواهد خود را در فضای گناه آلود فضای مجازی غرق کند ما درباره آن وظیفه ای نداریم. امکان دارد این بحث پیش بیاید که نجات او از آلودگی در فضای مجازی، ورود به حریم خصوصی و تجسس است که حرام و ممنوع است. در پاسخ می گوییم: عموم مردم حق تجسس و ورود به حریم خصوصی ندارند ولی حکومت برای جلوگیری از فساد و افساد فی الارض می تواند ورود کند و سایت های مستهجن را فیلتر کند لکن تفتیش افراد صحیح نیست مگر خوف افساد فی الارض باشد که با حکم قاضی بلا اشکال است. پس آزادی هم تا آنجاست که به تباهی فرد یا جامعه منتهی نشود. البته اقدام ایجابی حکومت و اقدام سلبی حکومت در این زمینه تواما مهم و ضروری است.

در خصوص آیه شریفه **فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ** باید گفت:

اولا منظور از «القول» سخنان حکیمانه است نه سخنان لغو و باطل. زیرا خداوند به صراحت از شنیدن سخنان باطل نهی کرده است. ر.ک: (نساء/ ۱۴۰؛ انعام/ ۶۸؛ قصص/ ۵۵؛ مؤمنون/ ۳)

ثانیا سخن از انتخاب «احسن» است یعنی یک سخن «حسن» وجود دارد و یکی «احسن» اکنون در تشخیص احسن او باید اقدام کند. نه اینکه بین بد و خوب شخص مخیر باشد پس بحث ما که بین حقیقت و باطل است و بین فساد و صحت است اختیار تشریحی معنا ندارد. (هرچند انسان از نظر تکوینی مختار است)

ثانیا در آیه بعدی که مرتبط به همین است می فرماید: **أُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ**؛ پس معلوم می شود این انتخاب مخصوص صاحب خرد و متخصصان است نه همه انسانها.

پاسخ پرسش دوم:

اگر منطق این سوال را بپذیریم هیچ صاحب مالی نباید از مالش حفاظت کند و درب مغازه و منزل و... قفل بزند و تجهیزات ایمنی نصب نماید. زیرا سارقان به پیشرفته ترین ابزاری که تجهیزات ایمنی را مختل می کند مجهز هستند. در خصوص فضای مجازی هم اینگونه است اگرچه امکاناتی برای راه یابی هست اما اولاً همه گیر نیست این امکانات ثانیا باید تکنولوژی را پیشرفت داد تا بتوان بر راههای نفوذ غلبه کرد.

پاسخ پرسش سوم:

این سخن یک سخن غیر فنی و شعاری است و تنها برای فضای انتخابات و جذب رای عوام کارآیی دارد. در پاسخ باید گفت: از نظر قانون اگر محتوای حاوی توهین به مقدسات باشد جرم است (ماده ۵۱۳ مجازات اسلامی و مواد دیگر) همچنین توجه به فصل چهارم قانون جرایم رایانه ای مهم است:

«فصل چهارم - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی ماده ۱۴- هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازاتهای فوق می‌شود.

محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد. تبصره ۲- هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه *مفسد فی الارض* شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

ماده ۱۵- هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل نموده یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - مفاد این ماده و ماده (۱۴) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود».

اکنون سوال این است که اعمال قانون و اجرای قانون به دست چه کسی باید

محقق شود آیا غیر از قاضی کسی صلاحیت دارد؟

۴. ادله حقوقی

۱.۴. قانون اساسی و قوانین موضوعه ایران

از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مهمترین وظیفه حکومت بسیج همه امکانات برای گسترش امور دینی و حفاظت از مرزهای عقیدتی است. در اصل سوم از قانون اساسی می خوانیم: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی
۲. بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.»

در اصل هشتم قانون اساسی نیز می خوانیم: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.» «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.»

در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز جهت حراست و حفاظت از باورهای دینی و عقاید اسلامی، توهین به مقدسات اسلامی جرم انگاری شده است: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه ی طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه ی طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این

صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» همچنین مواردی دیگری که نیز در تعارض با مبانی عقیدتی است جرم محسوب شده است (ر.ک: مواد ۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰ قانون مجازات اسلامی) تا بدین وسیله از مرزهای عقیدتی و باورهای دینی حفاظت شود.

بنابراین از منظر فقه و حقوق و قوانین جمهوری اسلامی ایران حفاظت از مرزهای عقیدتی از وظایف حکومت اسلامی است. و در این باره دو مسئولیت دارد: اولاً با ترویج با مبانی دینی اسلام عموم مردم را با تعالیم روح بخش اسلامی آشنا کند ثانیاً آنچه که در تعارض با مقدسات اسلامی و همچنین باورها و هنجارهای اخلاقی اسلام است جرم انگاری نماید و از بروز آنها پیشگیری نماید.

۲.۴. شواری عالی فضای مجازی

از نظر قانونی با حکم رهبر معظم انقلاب شواری عالی فضای مجازی نهادی قانونی و لازم‌الاتباع است.

در حکم رهبر معظم انقلاب آمده است:

«... لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه‌ی کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور بوجود آید. به این مناسبت شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود.

این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد نماید تا اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح تحقق یابد. نکات اساسی در مورد وظایف شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی با تأکید بر توجه جدی به آن، در پیوست این حکم ابلاغ می‌گردد.

در پایان انتظار دارم، ضمن تسریع در تشکیل مرکز ملی فضای مجازی، رئیس و اعضای محترم شورا تلاش بایسته را در جهت دستیابی این مرکز به اهداف تعیین شده به کار برند. کلیه دستگاههای کشور موظف به همکاری همه جانبه با این مرکز میباشند».
(سیدعلی خامنه‌ای ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۰)

در حکم اخیر رهبر معظم انقلاب هم آمده است:

«.....۷. ترویج هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه».(سید علی خامنه‌ای ۱۴ شهریور ۱۳۹۴)

۳.۴. ادله حقوق بین الملل

برخی پیرامون مسئولیت حکومت در قبال دین تردیدهای را القا می کنند. یکی از مهمترین تردیدها این است که می گویند: «انتخاب دین و اعتقادات امری اختیاری است و حکومت نباید در آن دخالت کند و این منافات با آزادی دارد. قرآن هم می فرماید: لا اکراه فی الدین.»

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اولا: بحث در اینجا بحث اجبار و اکراه بر پذیرش دین نیست. بلکه سخن در حفظ باورهای دین داران و حمایت از آنان است. رهبر معظم انقلاب در این باره می فرمایند: «با توجه به آیات مربوط به ارتداد شاید این گونه به نظر برسد که اسلام با این کار در صد این است که حصار ایمان اسلامی را حفظ کند. در حقیقت اسلام بعد از این که مردم ایمان می آورند نظام اسلامی را مکلف کرده است که از ایمان مردم حفاظت و حراست کند. این وظیفه نظام و حکومت اسلامی است. به خصوص در آیه ارتداد «من کفر بعد ایمانه الا و من اکره و قلبه مطمئن بالایمان» که درباره عمار یاسر وارد شد، در آخر این آیه می فرماید: «بأنهم استحبوا الحیاه الدنیا علی الآخره».(خامنه ای، مجله اندیشه حوزه، ش ۲، ص ۳۹).

ثانیا: نه تنها در نظام حقوقی اسلام بلکه در سایر نظام های حقوقی، انکار حقانیت دین رسمی کشور، کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند و آن چیزهایی که عقاید دینی را مورد هجمه قرار دهد جرم محسوب می شود. به عنوان نمونه در نظام حقوقی «کامن لا» که بسیار متأثر از حقوق کلیسایی است و هم اکنون برخی از کشورهای غربی از جمله آمریکا و انگلستان از این نظام تبعیت نسبی دارند، از دیر باز توهین به مقدسات را با عنوان "Blasphemy" جرم تلقی کرده اند. بر اساس تعریفی که حقوقدانان غربی ارائه کرده اند، واژه "apostasy" (ارتداد) شامل هر گونه انکار حقانیت مسیحیت، کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند می شود و اینها جرم محسوب می شوند. (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

ثالثا: بر اساس حقوق بین الملل، تا زمانی اظهار عقیده مذهبی امکان پذیر است که به امنیت، نظم، سلامت، اخلاق عمومی و یا قوانینی که در آن کشور تصویب شده، تعارضی نداشته باشد. در بند ۳ از م ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل آمده است:

آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیتهای نمود مگر آنچه که منحصرأ به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد. (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ص ۹۳)

همچنین در بند ۳ م ۱۹ این میثاق بین المللی می خوانیم:

۳. اعمال مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم مسئولیت های خاص است. لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد.

الف. احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛

ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت اخلاق عمومی. (همان).

همچنین در بند ۲ م ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

۲. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. (همان، ص ۷۰)

رابعاً: بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب اسلامی در پیروی از عقاید و مناسک خود آزادند. همچنین بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی « ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می کنند». بنابر این سایر فرقه ها یا ادیان غیر توحیدی حق تبلیغ، ترویج و اجرای مناسک در ایران را ندارند. ولذا با توجه به این دو اصل یکی از وظایف حکومت اسلامی جلوگیری از فرقه های انحرافی است.

۵. نتیجه گیری

بر اساس ادله فقهی، حقوق اسلامی و حقوق بین الملل یکی از وظایف حاکمیت حفاظت از مرزهای عقیدتی مردم است. بهانه های واهی همچون مخالف با آزادی نیز نمی تواند ادله مستحکم را دچار تردید کند. از همین روی مسئولین حکومت دینی به عنوان یک واجب الهی و یک اصل حقوقی ملزم به حفاظت از باورهای دینی هستند و باید در این خصوص ابتدا به آموزش تعالیم دینی و سپس حفاظت از آنها و جلوگیری از انحرافات دینی اقدام نمایند.

منابع

قرآن کریم

امام علی(ع)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین(ع)، بی تا.

امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

تمیمی آمدی، (۱۳۶۰)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، شارح:خوانساری، جمال‌الدین با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران.

{آیت الله} خامنه ای، سید علی، اندیشه حوزه، سال چهارم، شماره دوم، ویژه جامعه مدنی(آزادی از نظر اسلام و غرب).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مجازات اسلامی(۱۳۹۲)، تدوین: رحمت الله نصیر پور، قم، پیام نو آور.

قرائتی، محسن(۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

نیازی، احمد علی(۱۳۸۹)، معرفت سیاسی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۹ - ۱۷۹.

هاشمی، حسین، (۱۳۸۴)، ارتداد و آزادی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کاپلستون، فردریک، (۱۳۸۳)، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران، نی.

واعظی، احمد(۱۳۸۴)، حکومت اسلامی، تهران، نور مطاف.

<http://www.oxforddictionaries.com>

The Geographical Journal, vol. ۱۷۹, no. ۲. , pp. ۱۷۷-۱۸۸